

مدیرعامل بنیاد شهید رئیس‌ی گفت: حدود ۷۰ جلد کتاب درباره شهید رئیس‌ی در یک سال اخیر منتشر شده است. به‌گزارش مهر، در ششمین‌روز نمایشگاه کتاب محمد مخبر، مشاور رهبرمعتظم انقلاب اسلامی و معاون اول رئیس‌جمهور سابق به‌همراه محمدمهدی اسماعیلی، مدیرعامل بنیاد شهید رئیس‌ی و وزیر سابق فرهنگ و ارشاد اسلامی، از غرفه «شهید رئیس‌ی» در نمایشگاه

انتشار ۷۰ جلد کتاب درباره شهید رئیس‌ی

صدایی زیبا در سینمای ایران



«زیبا صدایم کن» فیلمی از کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است که در چهل و سومین جشنواره فیلم فجر اکران شد و حول محور کنشگری نوجوانی می‌چرخد. از نقاط قوت فیلم، بازیابی رابطه پدر و دختری سالم و غیرکلیشه‌ای است. با توجه به ناهنجاری‌های موجود در فیلم توصیه تماشا توسط افراد ۱۴ سال به بالااست. داستان فیلم در خیابان ولی‌عصر تهران و در طول یک‌روز اتفاق می‌افتد. در خلاصه آن آمده است: «خسرو که در آسایشگاه روانی به اجبار بستری است، تمام این سال‌ها را با فکر دخترش (زیبا) سپری کرده. امروز روز تولد ۱۶ سالگی زیباست و خسرو نمی‌خواهد از این روز ساده بگذرد». رسول صدرعاملی، کارگردان برجسته سینمای ایران پس از دو سال کار روی فیلمنامه، این اثر را برای نمایش در چهل و سومین جشنواره فیلم فجر آماده کرده است.

موسیقی؛ روح لطیف فیلم

اتکار سال‌هاست یادمان رفته بود که موسیقی فیلم چقدر می‌تواند روح ما را لطیف‌تر کند، چقدر می‌تواند حس‌های ما را زلال کند و چقدر می‌تواند تکنیک نباشد و دلی باشد و به‌قول دوستان شاعر گوش‌نی باشد و جوش‌نی باشد. آخرین ساخته رسول صدرعاملی همان قدر که از اساس نگاهی مهربان به جهان دارد، از یک موسیقی مهربانانه هم برخوردار است. بعد از «سال دوم دانشکده من»، «زیبا صدایم کن» دومین همکاری صدرعاملی و کریستف رضاعی است. کریستف رضاعی آهنگساز گزیده‌کار سینمای ایران که پیوسته به عنوان یکی از مولفین خلاق موسیقی ایران شناخته می‌شود، در این همکاری قطعاتی ساخته که حتی در میان کارهای سال‌های اخیرش هم شاخص است.

انتخابی دقیق در ترکیب صدا

او مانور اصلی را روی تم‌های ساده‌فهم که در تطابق با شخصیت دختر نوجوان فیلم هستند گذاشته. با توجه به این‌که فیلم دو شخصیت اصلی پدر و دختر را دارد، او نیز روی دو ساز پیانو و سه‌تار متمرکز شده است؛ سه‌تاری که توسط علی بوستان نواخته شده و صدایی مدرن دارد. حجم موسیقی در زیبا صدایم کن بالاست اما زیاد نیست. آن قدری است که مخاطب از شنیدن آن لذت می‌برد و حتی در سکانس‌هایی به‌اشک‌انگیزی فیلم کمک می‌کند. کاری‌است که‌فی‌الواقع در زمره موسیقی فیلم و کارکرد آن باید در نظرش داشت. در سکانس پایانی که پرموسیقی‌ترین بخش فیلم محسوب می‌شود، موسیقی ملودیک‌تماما در جریان است. مخاطب به دلگرمی حضور اوست که می‌تواند فشاری را که روی یک پدر عاشق و دیوانه است، روی یک دختر نوجوان تنها و قدرتمند است، روی زنی رنج‌کشیده و رها شده است دوام بیاورد. بهترین بخش موسیقی این فیلم زمانی است که پدر و دختر در پشت موتور در شهر می‌چرخند و موسیقی اکسترال شنیده می‌شود.

بازگشت به مؤلفه‌های صدرعاملی

آخرین ساخته صدرعاملی با نماد‌های آشنای دوست‌داشتنی او مانند دختر نوجوان، کفش، خیابان ولی‌عصر، رفاقت و اعتماد چشم‌نواز و دلنشین است. او نشان داد همچنان با زبان و دغدغه نسل نوجوان و جوان آشناست. خواه تداعی «دختری با کفش‌های کتانی» و ترانه «من ترانه ۱۵ سال دارم» و چه آیدای «دیشب باباتو دیدم آیدا» باشد و خواه زیبایی «زیبا صدایم کن». در کنار این موضوع، بازی درخشان ژولیت رضاعی، دختر کریستف رضاعی نویدبخش ظهور بازیگر جوان دیگری را بعد از ترانه علیبدوستی و پگاه آهنگرانی داد. زیبا صدایم کن فیلمی رحمانی است که همراهی و بخشش در آن حرف اول را می‌زند و نگاهی دوست‌داشتنی به تهران دارد؛ شهری که ناجوانمردانه و دور از انصاف در اغلب فیلم‌ها غرق

بین‌المللی کتاب تهران بازدید کردند. مخبر با تورق کتاب‌های منتشر شده درباره شخصیت و اندیشه‌های شهید رئیس‌ی و شنیدن صوت‌های منتخب مرتبط با سیره این شهید، در بیاناتی بر مواضع شفاف و قاطع شهید رئیس‌ی در مقابل آمریکا بلافاصله پس از انتصاب تأکید کرد و ضمن اشاره به خطوط روشنفکری و مدیریتی شهید رئیس‌ی در اداره کشور گفت: از دست دادن شهید

«زیبا صدایم کن» با نگاهی پدران‌ه و موسیقی‌ای لطیف، روایتی شاعرانه از رنج و رهایی در دل تهران معاصر را بازگو می‌کند

در سیاهی و نابودی است.

سقوط از اوج یا ساتنی مانتالیسم

زیبا صدایم کن شروع خوبی دارد، شخصیت‌ها را خوب معرفی می‌کند، پدرانگی و بازی امین حیایی به دل می‌نشیند و داستان خوب پیش می‌رود تا این‌که روایت داستان به یکباره وارد ساتنی مانتالیسم شدید و غلیظی می‌شود که هر اتفاقی را ممکن می‌سازد؛ و اینجاست که فیلم سقوط می‌کند. سقوط آزاد فیلم از بی‌منطقی رفتارها و موقعیت‌ها شروع می‌شود. پدر به‌راحتی آب خوردن موتور می‌دزد، وارد کارگاه ساختمانی می‌شود و جرثقیل را روشن می‌کند و... تا جایی که در انتها مشخص است گویی فرمان از دست فیلمساز رها شده و وقوع هر اتفاقی در راستا یا برخلاف مضامین داستان ممکن می‌شود.

بی‌منطقی درام و گسست روایت

مشکل اصلی فیلم بی‌منطقی درام است که ابتدا وقایع باورپذیر هستند ولی داستان به استناد اقتباسی بودن، از میانه به بعد رها می‌شود. مادر به یکباره



رئیس‌ی دو ضایعه بزرگ داشت: اول این‌که یک شخصیت خدمتگزار را از دست دادیم. ثانیا فرصت این‌که به‌واسطه حضورش می‌توانست بعضی از مسائل مهم کشور حل شود، از دست رفت. اسماعیلی افزود: در مدت اندکی دیدم کتاب‌های زیادی با کلید واژه‌های شهید رئیس‌ی و سرفصل‌های مهم صحبت‌های شهید گردآوری تألیف و منتشر شده است.



تصادفا راننده اتوبوس دختر و پدرش می‌شود، پدر اتفاقی وارد ساختمان نیمه‌کاره شده و پشت جرثقیل می‌نشیند، حیایی به راحتی آب خوردن ماشین گشت ارشاد را می‌ریاید و آب از آب تکان نمی‌خورد، ۴۰۰ میلیون پول در گلدان خوابگاه مخفی می‌شود و مشکل رهن خانه دختر در منطقه شمال تهران حل می‌شود و....

شکاف در شخصیت‌پردازی

وقتی ژانر و فضای فیلم یک ملودرام رئال تعریف شده، این حجم از بی‌منطقی و اتفاقات عجیب و غریب باعث سقوط فیلم می‌شود. فیلم از نیمه به بعد، هم در باورپذیری قصه و هم در کارگردانی و بازی‌ها افت می‌کند. بازی حیایی در نیمه نخست درخشان و شایسته نامزدی در جشنواره فجر بود. ژولیت رضاعی خوب بازی می‌کند ولی نقص شخصیت‌پردازی دارد. چرا یک دختر دهه هشتادی باید این قدر عاقل و منطقی باشد و حتی یک حرف و کلام بیگانه و تینججری از او بیرون نمی‌زند؟! در نیمه اول فیلم این اشکالات به‌دلیل جذابیت درام و کارگردانی خوب صدرعاملی پیدا نیست. مثل بی‌دلیل پول ندادن صاحب‌کافه به دختر اما در ادامه این بی‌منطقی درام و حجم عجیب و غریب شدن‌ها بدجوری توی ذوق می‌زند.

جهان پدران‌ه و دخترانه با طعم مهربانی

فیلم زیبا صدایم کن، دست مخاطب را می‌گیرد و او را آرام‌آرام به دنیای پدران‌ه و دخترانه‌اش می‌برد. فیلم از انسجام روایی خوبی برخوردار است و جز در چند دقیقه پایانی از ریتم نمی‌افتد. اگرچه شگفتی ندارد و می‌توان رفتار شخصیت اول داستان را حدس زد ولی روند روی اعصابی ندارد و از همه مهم‌تر در میان فیلم‌هایی که این روزها به نمایش درآمده‌اند و از روایت قصه علی و معلولی خود عاجزند، یک کیمیای بزرگ است.

بازی‌های درخشان؛ امین حیایی در اوج

بازی امین حیایی و ظرافت‌هایی که در میمیک صورتش رعایت می‌کند، مثال‌زدنی است و گفتن ندارد که صدرعاملی چگونه می‌تواند از تجربه اول بازیگران یک شاهکار بیرون بکشد و این‌بار ژولیت رضاعی به سینمای فقیر ما معرفی شده است. بازی تخت، کم‌احساس و بی‌اعتماد او، از کاراکتر خودساخته و با اعتماد

به نفسش سرچشمه گرفته و چقدر این ویژگی‌ها به خوبی به نمایش درآمده است. خودداری آگاهانه نویسنده‌گان و کارگردان از اشک‌انگیزی و ملودرام شدن یکی از ویژگی‌های بزرگ زیبا صدایم کن است.

موفقیت در سایه اندازه‌نگه‌داری

موفقیت زیبا صدایم کن در ساختن جهانی امن و آرام-آن هم در روزگاری که اضطراب و تلخی و ناامیدی بر ذهن انبوه مخاطبانش سایه انداخته. بیش از هر چیز در توجه به «اهمیت اندازه» است. راه رفتن بر لبه باریکی که کمی افراط و اغراق در موقعیت‌ها یا دیا لوگ‌هایش می‌توانست پس‌زننده شود و بیننده را به طعنه «تو دیگه دلت چقدر خجسته است بابا!» برساند اما فیلم چه در فیلمنامه چه در کارگردانی حواسش به این مرز هست و در کمتر لحظه‌ای از آن عبور می‌کند.

اقتداری تازه در کارنامه صدرعاملی

صدرعاملی با این فیلم یک چرخش اساسی در سینمایش ایجاد کرد. متن قوی و پر از جزئیات،



پرداخت شخصیت خوب و عمیق و هدایت بازیگری درست و کنترل شده از فاکتورهای موفقیت این فیلم است. همه ما عادت کرده بودیم امین حیایی را در قامت یک کم‌دین در سینما ببینیم اما چندسالی است فیلمسازان ما فهمیده‌اند حیایی قابلیت‌های ناشناخته دیگری هم در بازیگری دارد. وقتی حمید نعمت‌الله در «شعله‌ور» توانست یک بازی متفاوت مبنی بر شخصیتی درونگرا از حیایی بیرون بکشد، تأیید این اتفاق بود. با همه اینها پایان‌بندی فیلم می‌توانست کمی غیرمستقیم‌تر باشد و همه گره‌های فیلم به ناگاه باز نمی‌شدند. گاهی اگر شعاع نوری هم نشان داده شود، کارکرد خود را پیدا می‌کند و نیازی نیست حتما نشانی خورشید را داد.

تکنیک و فرم؛ تصویری از کلام

اگر بخواهیم زیبا صدایم کن را از منظر تکنیک و فرم بررسی کنیم باید بگوییم در مجموع نتیجه کار موفق است. بازی امین حیایی در نقش خسرو، درخشان است و پدرانگی را تمام‌عیار به نمایش می‌گذارد. او چنان در کلام و فرم بدن در نقش خسرو حل شده که بیننده را با اشک‌هایش به گریه و با خنده‌ها و شوخ‌طبعی‌اش به خنده وامی‌دارد. بازی ژولیت رضاعی در نقش زیبا هم روان و تأثیرگذار است و هرچه فیلم جلوتر می‌رود، بیشتر در نقش جا می‌افتد. مهران غفوریان و ستاره پسیانی هم به خوبی نقش یک عمومی منفعت‌طلب و یک مددکار دل‌رحم را به نمایش گذاشته‌اند. در این میان اما بازی بازیگر نقش اشکان و بازیگر نقش مادر زیبا می‌توانست یک‌دست‌تر و باورپذیرتر باشد.

فیلمی برمعنا در قایب انسانی

زیبا صدایم کن، یکی از بهترین فیلم‌های چند سال اخیر سینمای ایران بود؛ فیلمی دارای داستانی ساده و در عین حال پرکشش احساسی که به خوبی علاوه بر نقد بسیاری از موضوعات اجتماعی از جمله گشت ارشاد، مسأله سن رشد، اختلافات خانوادگی و... به موضوع و اهمیت خانواده و احساسات پرداخته است. فیلم از نظر ریتم و ساختار روایی درست پیش می‌رود. یک درام جاندار و برمعنا که روایت سلیسی دارد و صمیمیت موجود در آن، به خوبی حس می‌شود و اتفاقات فیلم با وجود فانتزی بودن گاه و بی‌گاه آن بسیار باورپذیر است.

تخیل؛ تنها پناه جهان درمained

باوجود این‌که فیلم باشکوه و درخشان است اما نمی‌توان از ایرادهایش گذشت. این‌که نقش اول فیلم، (خسرو با بازی امین حیایی) که از حق نگذریم یک روان‌پریش را خیلی خوب از آب درآورده، از میانه‌های فیلم هوای گنگستربازی به سرش می‌زند و گشت ارشاد یا موتور می‌دزد و آب از آب تکان نمی‌خورد یا پنهان‌کردن طلا در گلدان در آن ۹سال در آسایشگاه بودن به طوری‌که کسی نفهمیده یا خود را به بالای تاورکین می‌رساند، گویی آن کارگاه ساختمانی هیچ نگهبانی ندارد...و همین باعث می‌شود این سکانس، شعاری و باورناپذیر درآید...از آن دست اتفاقات بی‌منطق فیلم است.

یا زیبا با بازی ژولیت رضاعی که بازی‌اش فراتر از انتظار است، به‌شکلی غیرواقعی بزرگ‌تر از ستن نشان می‌دهد یا این‌که بین این‌همه اتوبوس بی‌آرتی تجربش-راه‌آهن، مادرش را می‌یابد، همه و همه از نقاط ضعف فیلم است. صدرعاملی فیلمسازی مؤلف است. این فیلم او یک نقد اجتماعی است. هرچند در ادامه، صحنه‌هایی از آن اسیر تفتن و فانتزی می‌شود و توی ذوق می‌زند به حدی‌که آرزو می‌کنیم ای‌کاش فیلم همین‌جا تمام بشود و بیش از این دیگر نیازی به کلیشه‌های تکلف‌آمیز نباشد اما در مجموع فیلم نه‌تنها نشانه‌ای از یک عاطفه انسانی و یک جاری زندگی در اینجاست بلکه شاید به این تأویل نیز دامن می‌زند که وقتی یک جامعه درمained شده و به حد استیصال می‌رسد، تنها یک تخیل نیرومند اجتماعی است که می‌تواند او را سرپا نگه دارد و حس عشق و زندگی بدهد؛ تخیلی که اگر هم قدری خلاف‌آمد عادت، شاید بتواند نشانه‌ای از ادامه زندگی در اینجا باشد.



اکسارچوپولوس، نیکول گارسیا، جاناناتان گلپیز، آلن گیرودی، انماری جاسی، یورگوس لانتیموس، ناداو لاپید، مایک لی، کلیر مندوسا، ویگو مورتسن، لورا پویترس، روبن اوستلوند، مارک رافلو و ایرا ساکس اشاره کرد.

اعتراض ۶۰۰ چهره فرهنگی به سانسور انگلیسی فلسطین بیش از ۶۰۰ نفر از چهره‌های برجسته فرهنگی و رسانه‌ای انگلیس از جمله سوزان ساراندون، بازیگر برنده اسکار و مایک لی، فیلمساز سرشناس در نامه‌ای سرگشاده به تیم دیوی، مدیرکل بی‌بی‌سی به تعویق افتادن پخش مستند «غزه: پزشکان زیر آتش» را نشانه‌ای از سانسور صدای فلسطینی‌ها دانسته‌اند.

این مستند که توسط تیمی به سرپرستی بن دی پیر، سردبیر پیشین اخبار کانال ۴ ساخته شده، مراحل بازیابی را پشت‌سر گذاشته اما هنوز پخش نشده است. امضاکندگان هشدار داده‌اند که نعلل بی‌بی‌س، خلاف مسئولیت ژورنالیستی و تعهدش به شفافیت خبری است.

وقتی کن صحنه حمایت از فلسطین می‌شود

هنرمندان و فعالان فرهنگی، نمی‌توانیم در برابر وقوع نسل‌کشی در غزه و تأثیرات دردناک آن بر جوامع‌مان سکوت کنیم. اگر نتوانیم در کنار صداهای تحت ستم بایستیم، کار ما چه معنایی دارد؟ اگر از تاریخ درس نگیریم، چرا فیلم‌هایی متعدده‌ان به‌سازیم؟ این سکوت برای چیست؟» مستند «روح را در دست بگیر و قدم بزن» ساخته سپیده فارسی روز پنجشنبه در بخش ویژه‌ای از جشنواره به نمایش درمی‌آید. براساس آمار منتشرشده توسط وزارت بهداشت غزه، حداقل ۵۲ هزار نفر در اثر اقدامات نظامی اسرائیل جان خود را از دست داده‌اند.

در عین حال، جمعیت ۲/۴ میلیونی این منطقه با کمبود شدید غذا به‌دلیل دو ماه محاصره کالاهای اساسی مواجه‌است.

از امضاکندگان این نامه می‌توان به پدرو آلمودوارا، کوثر بن هنیه، کوستا گاوراس، آلیس دیوپ، خاویر دولان، آدل

با آغاز هفتادوهشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم کن، بیش از ۳۵۰ هنرمند و چهره برجسته سینمای جهان در نامه‌ای سرگشاده نسبت به ادامه حملات رژیم صهیونیستی به نوار غزه واکنش نشان دادند و آن را مصداق «نسل‌کشی» توصیف کردند.

این بیانیه که به ابتکار گروه‌های حامی فلسطین تهیه شده، همزمان در روزنامه فرانسوی لیبراسیون و نشریه آمریکایی روایتی منتشر شده و در آن از جامعه جهانی خواسته شده است در برابر این جنایات سکوت نکند.

نویسندگان نامه به‌ویژه از مرگ فاطمه حسونه، خبرنگار و عکاس ۲۵ ساله فلسطینی یاد کرده‌اند که تنها یک روز پس از اعلام حضور مستندی درباره او در جشنواره کن، در حمله هوایی به خانه‌اش در شمال غزه همراه ۱۰ نفر از اعضای خانواده‌اش کشته شد.

نویسندگان این بیانیه در پایان تأکید کرده‌اند: «به‌عنوان